

لاگ لاین

مردی، برای تسکین آسفتگی ذهنیش هر روز به پارک می‌رود و کتاب می‌خواند تا اینکه با ورود یک مرد شاداب و سرحال، زندگی‌اش دستخوش تغییر می‌شود.

اوت لاین رنگ

مردی ۳۰ ساله با هودی و ظاهر آسفته هر شب در پارک کتاب می‌خواند و پایش را بی‌قرار تکان می‌دهد. مردی با پیراهن چهارخانه و ظاهری شاداب وارد پارک می‌شود و در کنار او می‌نشیند. با گذشت زمان و حضور مداوم، تکان‌های پای مرد آسفته کاهش می‌یابد و او با کتابی جدید به آرامش می‌رسد. پس از یک سال، مرد با هودی ناپدید می‌شود و مرد با پیراهن چهارخانه او را به یاد می‌آورد و اشک‌هایش بر کتاب جاری می‌شود.

سیناپس

در پارکی زیر نور چراغ‌های خیابان، مردی با هودی مشکی هر شب کتابی می‌خواند و پایش را بی‌قرار تکان می‌دهد. مردی با پیراهن چهارخانه وارد می‌شود و کنار او می‌نشیند. روزها می‌گذرند و تکان‌های پای مرد آسفته کاهش می‌یابد. مرد با پیراهن چهارخانه کتاب جدیدی بین خود و مرد آسفته می‌گذارد و این آغاز تحول اوست. پس از یک سال، مرد با هودی ناپدید می‌شود. مرد با پیراهن چهارخانه پرستویی را می‌بیند که در آسمان پرواز می‌کند و با اشک‌ها و لبخندی آرام بر کتابش، پایان داستان را رقم می‌زند.

متن داستان ۳۶۵ روز با تو

شبی در پارک، زیر نور چراغ‌های خیابان، مردی روی نیمکت نشسته بود و درحال مطالعه کتابش بود. او یک تیشرت سفید با طرح پرستویی به رنگ سیاه به تن داشت و روی آن هودی سیاهی پوشیده بود و کلاه هودی روی سرش بود. شلوارش هم مشکی بود و کتونی‌هایی به رنگ مشکی با طرح‌ها سفید به پا داشت. موهایش مرتب بود اما ظاهرش خاموش بود. یکی از پاهایش را با بی‌قراری روی زمین تکان می‌داد، انگار ذهنش آشفته بود.

پرستویی پرواز کنان آمد و روی یکی از درخت‌های پارک، نزدیک آن نیمکت نشست. پرستو مردی دیگری را دید که به همراه کتابش وارد پارک شد. او لباس چهارخانه‌ای، با خانه‌های سفید و خط‌های آبی و شلوارک آبی و کفش آبی با طرح‌های سفید به تن داشت. بخشی از موهای موج‌دارش روی صورتش آماده بود. پرستو از روی درخت پرواز کرد و از جلوی مرد لباس چهارخانه‌ای عبور کرد و مسیر نگاه او را به مرد آشفته هدایت کرد. مرد لباس چهارخانه‌ای با دیدن مردی درحال مطالعه در آنوقت از روز تعجب کرد.

با دیدن حرکات بی‌قرار مرد آشفته، به آرامی به او نزدیک شد و روی نیمکت، در کنار او نشست و کتابش را باز کرد. هر دو مرد نگاهی کوتاه به یکدیگر انداختند و سپس سرهایشان را به سمت کتاب‌هایشان خم کردند و شروع به مطالعه کردند. دقایقی گذشت، صدای آژیر آمبولانس به گوش می‌رسید. ماشین آمبولانس با عجله حرکت می‌کرد و با سرعت از جلوی پارک گذشت. مرد آشفته چهره‌اش درهم شد و دستش را روی سرش فشار می‌داد. مرد لباس چهارخانه‌ای با تعجب به او نگاه می‌کرد. مرد آشفته دیگر نتوانست ادامه بدهد و کتابش را بست و از روی نیمکت بلند شد و پارک را ترک کرد. مرد لباس چهارخانه‌ای با نگاه متعجب و کنجکاو رفتن او را دنبال کرد. او هم کتابش رو بست و از سمتی دیگر پارک را ترک کرد.

روز بعد، مرد لباس چهارخانه‌ای در پارک قدم می‌زد که مرد آشفته را دوباره درحال مطالعه روی همان نیمکت دید. دوباره توجهش به تکان‌های پای مرد آشفته جلب شد. سریع به سمت آن نیمکت رفت و کنار مرد آشفته نشست و کتابش را از کیفش درآورد و باز کرد. مرد آشفته نگاهی به او انداخت و مرد لباس چهارخانه‌ای هم او را نگاه کرد. مرد آشفته نگاهش را دزدید و به ادامه مطالعه‌اش پرداخت. ساعاتی از مطالعه عمیق این دو مرد گذشت. مرد لباس چهارخانه‌ای با کنجکاو از گوشه چشم به مرد آشفته نگاه کرد. مرد آشفته غمگین و عمیق به جایی خیره شده بود. مسیر نگاهش را دنبال کرد، زن و شوهری را دید که از صاحب بچه شدن خوشحال بودند. صدای بسته شدن کتاب آمد. مرد آشفته از جایش بلند شد و رفت. مرد لباس چهارخانه‌ای کنجکاوانه رفتن مرد آشفته را تماشا میکرد.

مرد آشفته چهره‌اش درهم بود و خیلی ناراحت بود. همه خاطرات در ذهنش مرور شدند. جر و بحث با همسرش که چرا ریسک نمی‌کند و دنبال علاقه‌اش نمی‌رود، تصادف همسرش با ماشین، بچه، همسرش باردار بوده. ذهنش از قبل آشفته تر شد، حالش از قبل بدتر بود. سرجایش ایستاد و سرش را بالا گرفت و به ماه توی آسمان خیره شد. چشمانش رو بست و نفس عمیقی کشید. بعد از یک بازدم طولانی، به مسیرش ادامه داد.

روز بعد، همان دو مرد دوباره در پارک حاضر شدند. این بار روبه‌روی هم ایستادند و به یکدیگر خیره شدند. سپس نشستند و کتاب‌هایشان را باز کرده و مشغول مطالعه شدند و باز هم مرد آشفته، پاهایش را روی زمین تکان می‌داد. پس از گذشت چند ساعت، هر دو کتاب‌هایشان را بستند، از جا بلند شدند و در جهت‌های مخالف همدیگر حرکت کردند.

روزها و ماه‌ها گذشت و هر روز بدون وقفه، آنها به پارک می‌آمدند، روی نیمکت‌ها می‌نشستند و کتاب می‌خواندند. سرعت ریتم تکان‌های پای مرد بی‌قرار روی زمین با گذشت زمان کاهش یافت و با صدایی غیرمنتظره ریتم آهنگ بی‌قراریش شکسته شد. مرد لباس چهارخانه‌ای کتابی جدید بین خودش و مرد آشفته گذاشته بود. مرد آشفته نگاهی به مرد لباس چهارخانه‌ای انداخت و سپس به آرامی کتاب جدید را برداشت و نگاهی به جلدش انداخت. مرد آشفته از جایش بلند شد و به همراه کتاب جدیدش رفت. مرد لباس چهارخانه‌ای هم از جایش بلند که دید مرد آشفته کتابش را جا گذاشته است. آن کتاب را برداشت، نگاهی به آن کرد و بعد از پارک خارج شد.

فردای آن روز طبق عادت هر دو در پارک حاضر شدند و روی نیمکت نشستند و مرد آشفته کتابی که مرد لباس چهارخانه‌ای به او داد رو برگرداند. مرد لباس چهارخانه‌ای کتاب را گرفت و کتاب جدیدی به او داد. مرد آشفته با تعجب به مرد لباس چهارخانه‌ای خیره شده بود. کتاب را از او گرفت و شروع به مطالعه کرد. در پایان روز هر دو کتاب‌هایشان را بستند، از جایشان بلند شدند و در مسیرهای مخالف هم از پارک خارج شدند.

از آن روز به بعد، هر روز مرد لباس چهارخانه‌ای کتاب‌های مختلفی به مرد آشفته میداد و روتین مطالعه با رنگ و آهنگ جدیدی از سر گرفت.

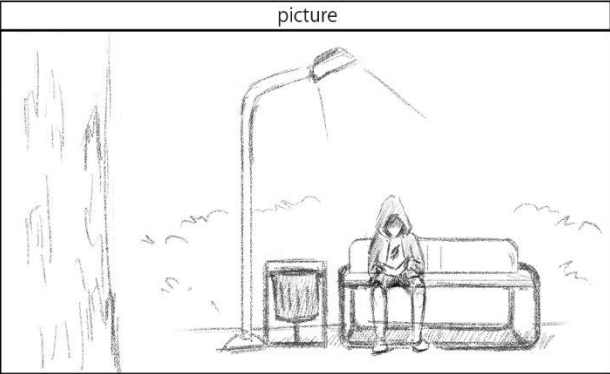
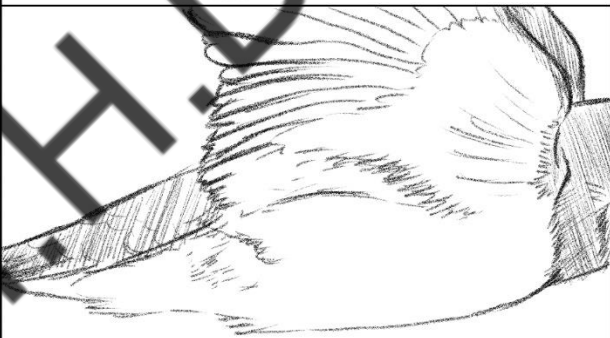
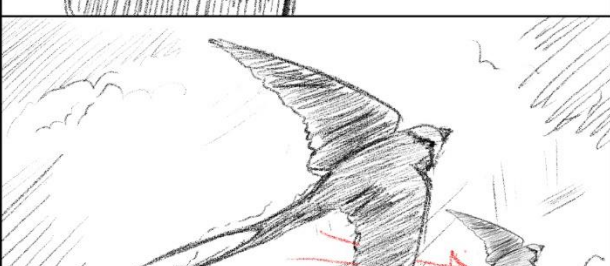
این روال برای یک سال تمام و در تمامی فصول سال ادامه داشت و با سپری شدن این روزها لبخند روی صورت مرد آشفته به آرامی ظاهر شد و زندگیش رنگ تازه‌ای گرفت. در پایان سال، هنگامی که هر دو از

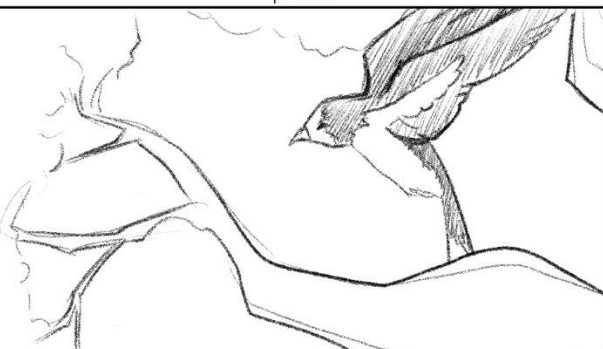
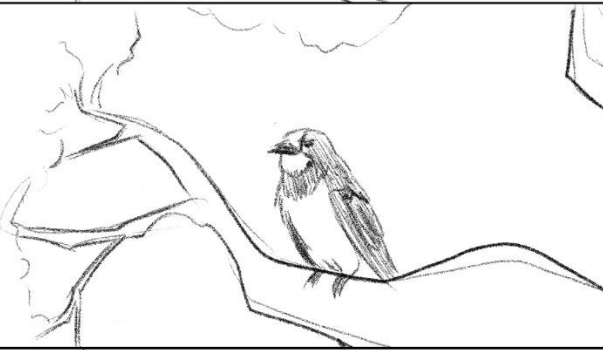
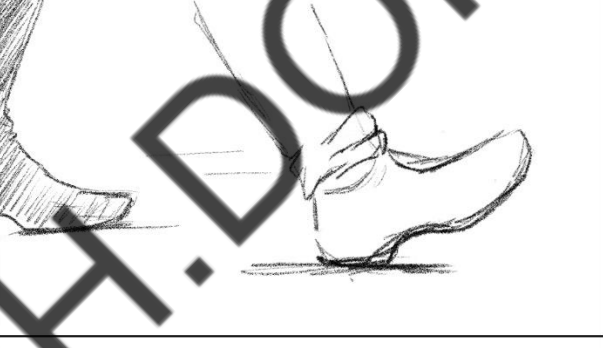
جایشان بلند شدند و مرد لباس چهارخانه‌ای مسیر خود را گرفت و رفت، مرد با هودی پشت سرش به او تعظیم کرد و با ایستادن دوباره، کلاه هودیش از سر افتاد و او هم مسیر خود را در پیش گرفت و رفت.

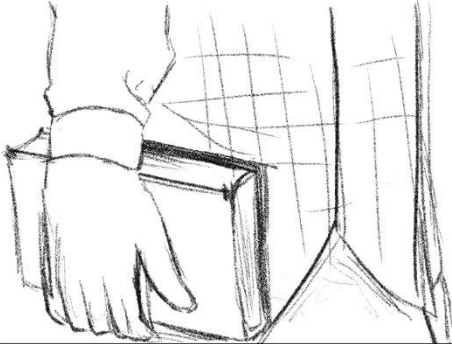
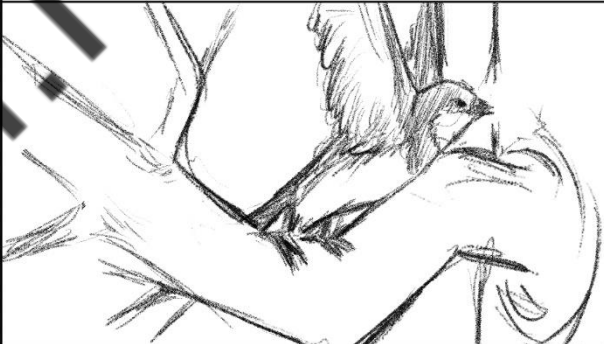
یک روز، مرد با لباس چهارخانه‌ای طبق عادت به پارک آمد و روبه‌روی نیمکت ایستاد. دقایقی گذشت، سپس نشست اما این بار کتابش را باز نکرد. گذشت زمان او را بی‌تاب کرد. نسیمی ملایم وزید و او آهی عمیق کشید. درست در همین لحظه، پرستو را در حال پرواز در آسمان دید که از بالای سرش رد می‌شد. کتابش را باز کرد و شروع به مطالعه کرد. اما چشمانش این بار به جای خطوط کتاب، روی اشک‌هایی که به آرامی از آنها سرازیر می‌شد، متمرکز بودند. در لحظه‌ای از این احساسات عمیق، لبخندی کوچک و آرام بر لبانش نشست.

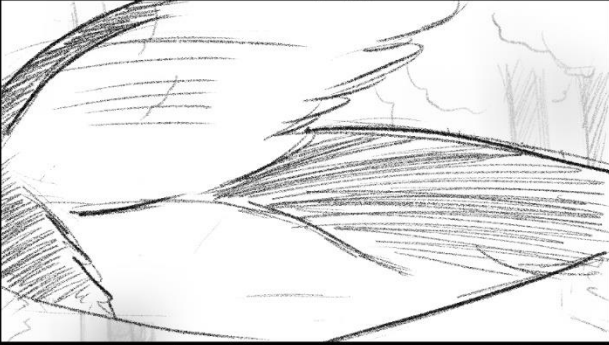
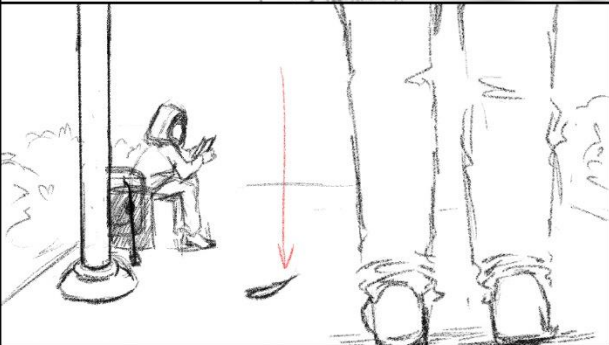
پایان (ادامه دارد ...)

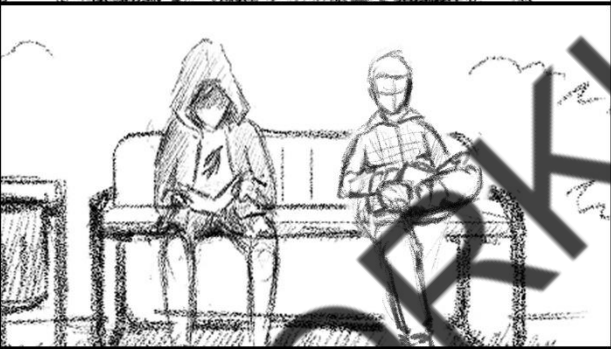
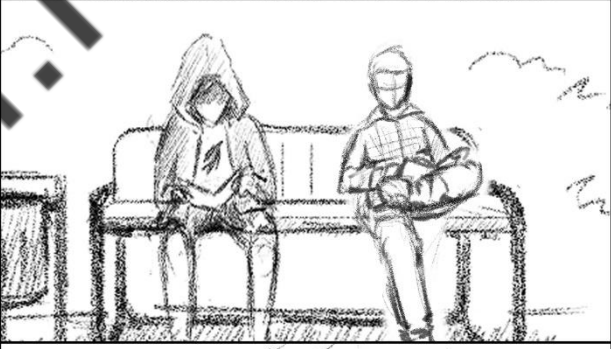
در یک روز تابستانی، مرد لباس چهارخانه‌ای در حال مطالعه کتابی رو نیمکت پارک نشسته بود. مردی با کت و شلوار شیک خاکستری به او نزدیک شد و کتابی به او داد. او با تعجب نگاه به کتاب کرد و در حالی که کتاب را از مرد کت پوش می‌گرفت نگاهی به صورت آن مرد کرد که ناگهان لبخندی از سر ذوق بر لبانش نشست.

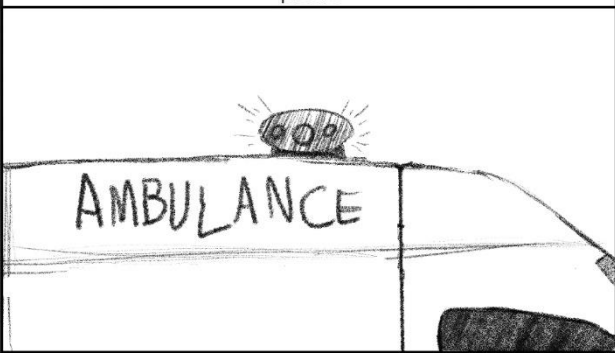
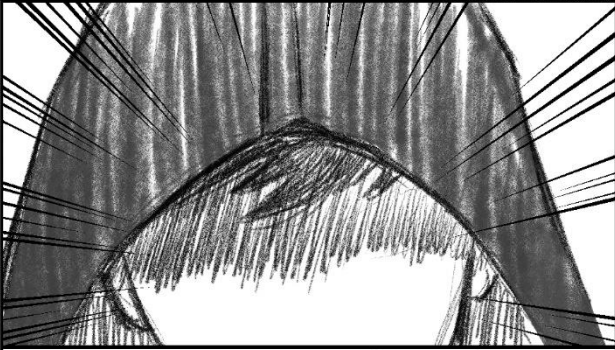
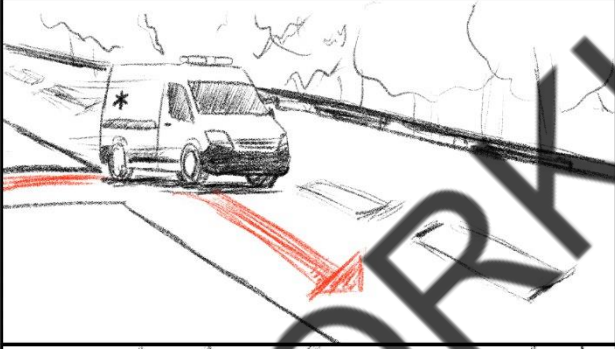
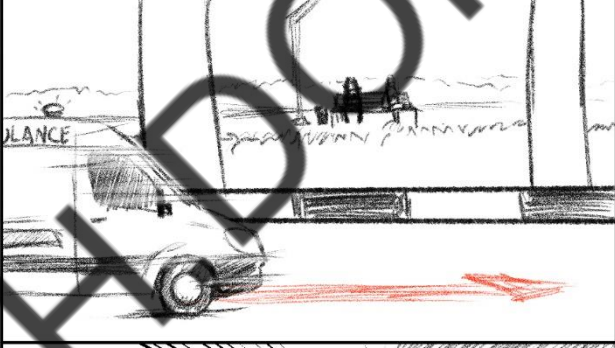
cut	sound	picture	contents	s+k
① L.S Cut	- موسیقی ملایم - آبیایی پارک در شب (سکوت) - صدای ضعیف پای مرد آشفته		مردی بسیارک، زیر نور چراغ های خیابان در حال مطالعه کتابی روی نیمکت نشسته است	4.5
② M.S Cut			او دستش را به آرامی بر سرش دارد و یک جعبه ای مسکونی در دستش دارد. علاوه بر رویش بر سرش است و در حالی که مطالعه می کند پایش را بی تزار روی زمین تکان می دهد	3.5
③ C.S Cut	- صدای تکان دادن پای مرد، و آشفته ی سواد		تکان خوردن پای مرد آشفته	2.5
④ C.S	صدای پای مرد تبدیل به صدای باد راکن بر سرش و نور		با استوایی پرواز کنند آمد. [حالت کنجهاوی بسته ابتدا تحت بدن و بیل هم سوار را غایتش در هم و پس PAN می آید روی صورت پرستو]	2.5
Cut	صدای باد			3.5
⑤ F.S			به منزل شات از نمای پرنده نشان می دهیم و به پرنده به سمت پارک فرود	6.5

cut	sound	picture	contents	s+k
⑥ F.S	صدای بل زدن که سستو صدای آبیانس پارک		... و روی یکی از درخت ها پارک، نزدیک آن نیست نست.	2s
	صدای آبیانس			3s
Cut ⑦ two.S			مرد آسفته را از زاریم به به سستو ی بینم	3s
Cut ⑧ INSERT	صدای قدم زدن		[قدم زدن ...]	4s
Cut ⑨ M.S	صدای آبیانس			2s
			لر سستو مردی را دید...	2s
Cut				

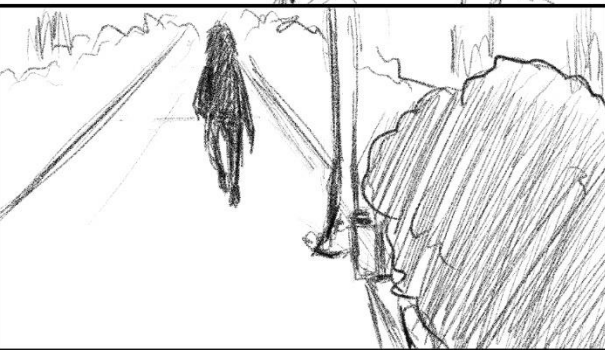
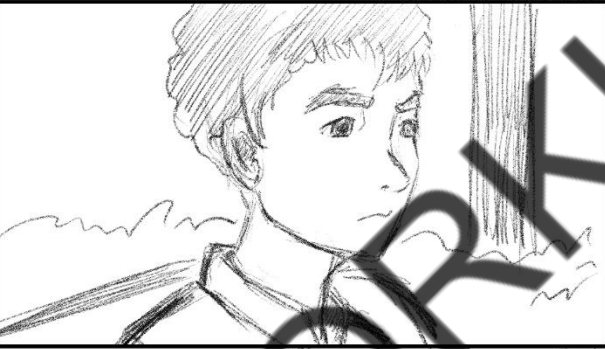
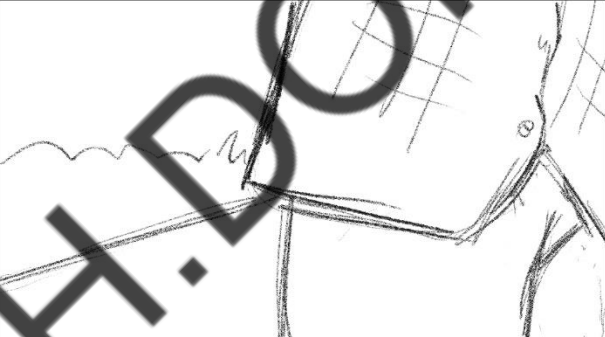
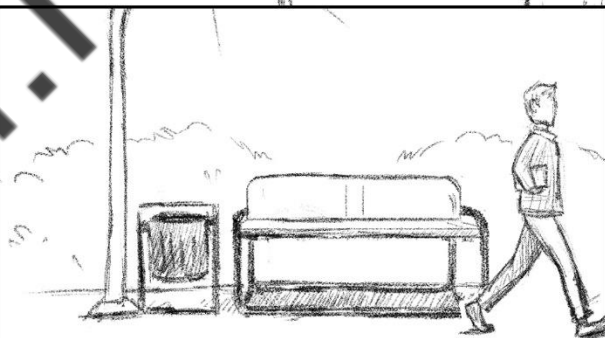
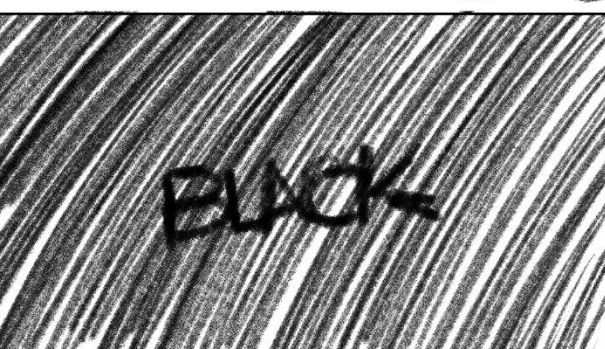
cut	sound	picture	contents	s+k
(10) INSERT	لوسینی ملام رستم ندم زدن		موهای موج دارش که روی سرش آماره بود.	3s
Cut (11) C.S			لباس چهارخانه ای با خانه های سفید و خط های آبی. به همراه کت بی در دستش	2s
Cut (12) INSERT			عانی نزدیک از چشم پرستو	3s
Cut (13) C.S			ندم زدن مرد لباس چهارخانه ای	3s
Cut (14) F.S			پرستو از روی درخت پرواز کرد	3s
Cut (15) Two.S				2s
Cut				

cut	sound	picture	contents	s+k
(16) two.s C.S	صدای باد حرکت سریع پرستو		و از جوی سرد لباس چهارخانه‌ای عبور کرد	1s
Cut (17)	صدای باد 			1s
Cut (18)			و مسیر نگاه او را ...	2s
Cut (19)			... به مرد آشفته هدایت کرد.	2s
Cut (20)				2s
Cut (21)	سکوت		مرد لباس چهارخانه‌ای به زمین مردانه حاصل مطالعه نه گفتن و از تعجب کرد.	2s
Cut				

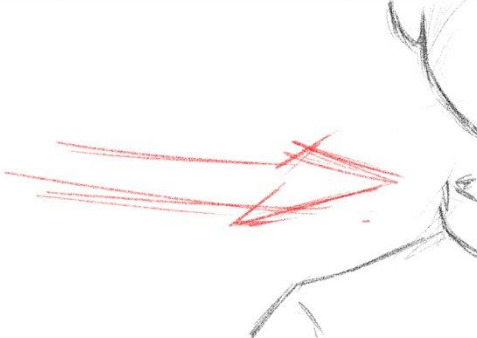
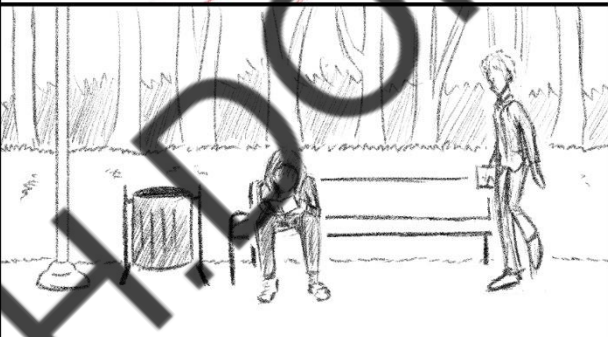
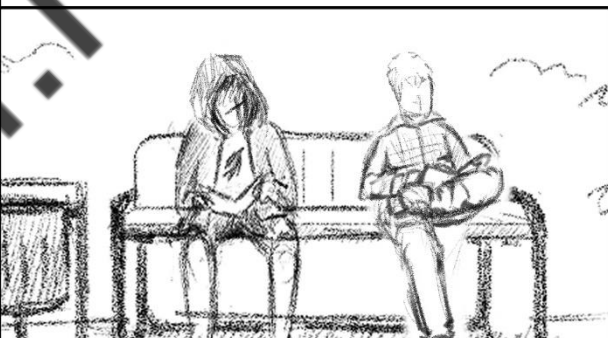
cut	sound	picture	contents	s+k
6 L.S cut	موسیقی ملایم آرام دارد		مرد لباس چهارخانه ای به آن نیت می رود کذبر	3s
7 M.S				2s
			مرد لباس چهارخانه ای کنار مرد آشفته می نشیند و که پس را بازی کند	6s
	موسیقی به هم در آرام و سکوت می شود		نگاهی کوتاه بین دو مرد ردوبل می شود ...	3s
Cut			و پس سرهایشان را به سمت که لباسشان خن حاکند.	4s
8 L.S cut	صدای باد و صدای پای مرد آشفته		تصویری از پارک را داریم که در سکوت غرق شده و هر دو مرد در حال مطالعه عمیق که به این هستند.	4s

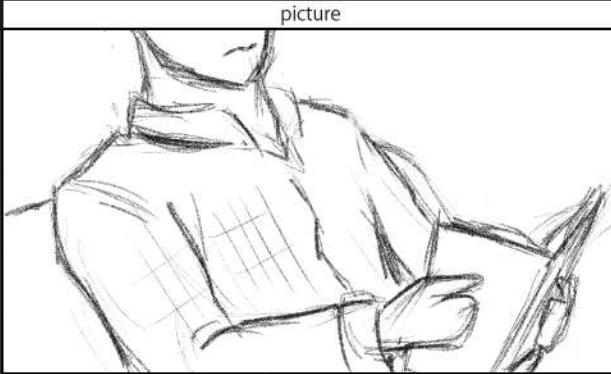
cut	sound	picture	contents	s+k
(9)	صدای آژیر آکبر لانس (9)		دقایق گذشته، صدای آژیر آکبر لانس به گوش می آید	5s
M.S				
(10)				1s
C.S				
Cut				
(11)	صدای درخت + ماشین ویا خنایان		ماشین آکبر لانس با حرکت می کرد	2s
F.S				
PAN				
(12)	صدای آژیر		و با سرعت از جلوی پارک گذشته	1.5s
F.W.O.S				
Cut				
(13-A)	صدای تصادف (آکبر لانس)		مرد آشفته با شنیدن صدای تصادف ترسیده	1s
E.C.S				
Dissolve				
(13-B)	صدای انفجار + داد و فریاد و گریه		ویار حاطه ای اندک آکبر لانس همگی را سوار ماشین می کردند	4.5s
F.S				
E.C.S				
Cut				

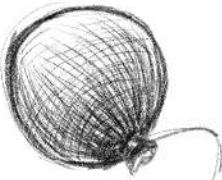
cut	sound	picture	contents	s+k
14 C.S	صدای همهمه، تلویزیونی نویز و آژیر آمبولانس		مرد آشفته چهره اش در هم می خورد و سرش را فشار می دهد.	2s
Cut 15 M.S			مرد لباس پارچه ای با تنگه به او نگاه می کند	3s
Cut 16 INSERT			مرد آشفته دیگر نترست ادامه دهد. کت بیس را از روی زمین برمی دارد	3s
Cut 17 N.S				2s
Cut 18-A F.S			از روی نیمکت بلند شد...	3s
Cut 18-B F.S			دانه پارک خارج شد...	3s

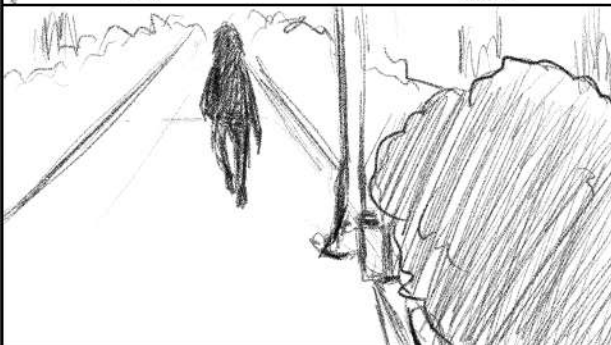
cut	sound	picture	contents	s+k
19 C.S	صدای راه رفتن - صدای آب پاش		مرد لبه کس چاه خانه ای با نگاه متعجب و گنگ بود...	2s
Cut 20 F.S			رنتن مرد آشفته را دنبال می کرد.	3s
Cut 21-A C.S	صدای آب پاش پارک		کمی به فکر فرو رفت	2s
21-B Cut	صدای لباس		از جایش بلند شد	1s
22 F.S Cut	صدای راه رفتن		راز سکتی دیگر از پارک خارج شد	2s
	سکوت			3s
Disolve				

cut	sound	picture	contents	s+k
23	صدای آبیایس بارک		روز به ...	2.5s
Cut				
24	آبیایس دو عرصه صدای پر زوفا			5.5s
Cut				
25	آبیایس			5.5s
Cut				
26	صدای قدم		مرد لباس چهارخانه ای در پارک قدم می زند	3.5s
Cut				
27	صدای آبیای مرد آشفته		مرد آشفته را دوباره در حال مطالعه روی همان نیمکت دید	2s
Cut				
28			دوباره توجهش به تکان های آبیای مرد آشفته جلب شد	2s
Cut				

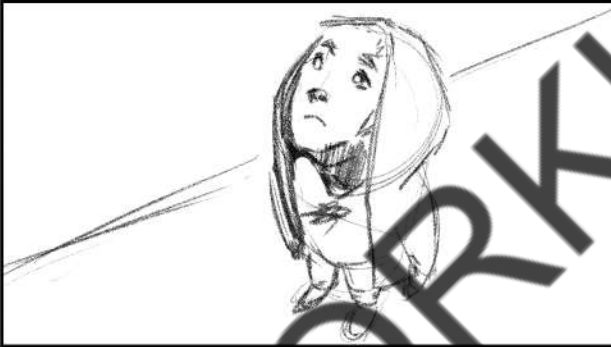
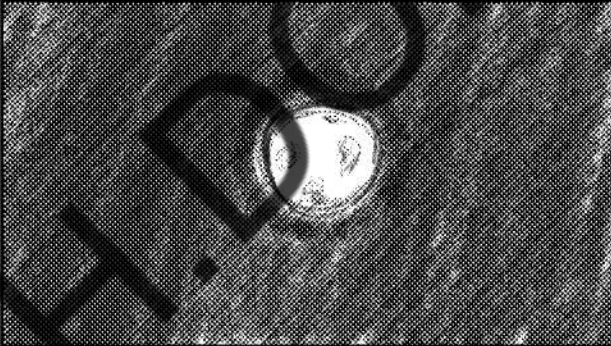
cut	sound	picture	contents	s+k
(29-A)	- صدای آبیاس		کمی مکث می کنه	2s
(29-B)	- صدای آبیاس - صدای قدم زدن		به حرکت ادامه داد	1.5s
Cut (30)			سریع به سمت آن نمیگشت	4s
Cut (31)				2.5s
Cut (32)	- صدای آبیاس - صدای شستن - صدای درخت ها کافه		و کنار مرد آشفته نشست و که بی راپاز کرد	3s
Cut (33)	- صدای آبیاس		مرد آشفته نگاه به مرد بیاس پر خنده ای انه افش	2s
Cut				

cut	sound	picture	contents	s+k
34-A			مرد آشفته نگاه می‌پاوانده گفت	2s
34-B			و مرد لباس چهارخانه ای را هم به مرد آشفته نگاه کرد	3s
Cut 35-A			مرد آشفته به خودش آمد	1s
35-B			نگاهش را در دید	2s
Cut 36-A			هر دو آرامه می‌خاستند	2s
36-B				2s
Cut				

cut	sound	picture	contents	s+k
(37)	صدای آمبیانس - صدای خنده بچه - صدای خنده زن در شوم		سایه‌ای از مطالعه عجیبی این دو مرد گذشت	3s
Cut			مرد به پس‌چهارخانه‌ای بالنگاوی از گوشه چشم به مرد اسفند نگاه کرد.	3s
Cut			مرد اسفند غمگین و عین به جایی می‌رفت شده بود	2s
Cut			مسیر نامش را دنبال کرد. زن دوشوی را دید که از داشتن بچه فرسحال حسنه	3s
Cut				2s
Cut				2s

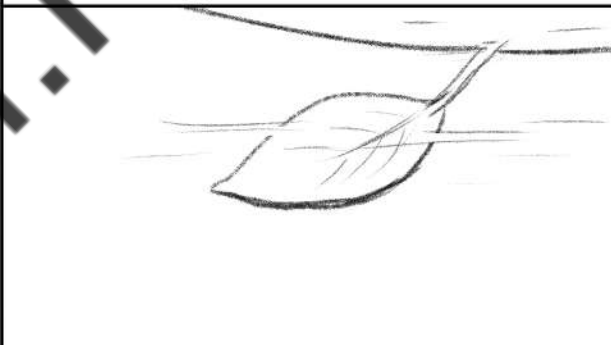
cut	sound	picture	contents	s+k
(43) m.s			صدای لبسته شدن کتاپ آمد	1,05
Cut (44) C.s			مرد لباس چهارخانه ای واکش نشان دار و سرش را به سمت مرد آشفته چرخاند	1,05
Cut (45-A) m.s			مرد آشفته از جایش بلند شد و رفت	2,5
(45-B)				1,5
Cut (46) F.S				2,5
Cut (47) F.S			مرد لباس چهارخانه ای رفت مرد آشفته را میسای کرد.	2,5
Cut				

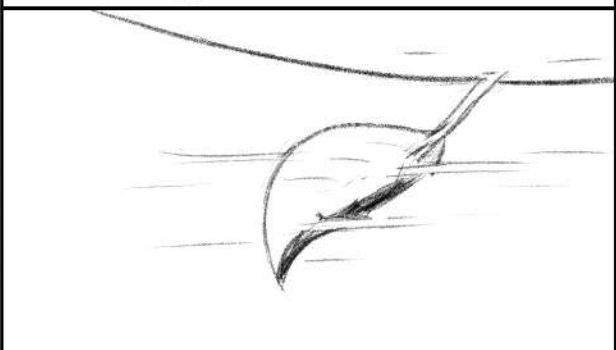
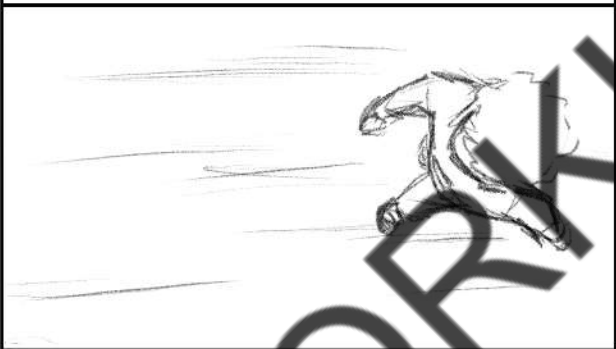
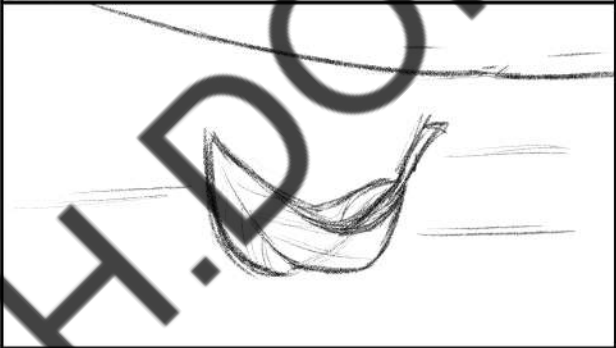
cut	sound	picture	contents	s+k
(48)	صدای قدم زدن		[در حال راه رفتن ...]	2s
INSERT				
Cut				
(49)			[مرد آشفته در حال راه رفتن در پادرواق]	2s
F.S				
Cut				
(50)	صدای نوبلر		مرد آشفته همه اسن در هم برداشتن ساراست بود	1s
C.S				
Cut				
(51)	صدای جرو بحث صدای نوبلر صدای آرمی		همه خاطرات نه ذهنش مردار شده. جبر و بحث با همسرش که چرا رسیک می کنه و دنبال علایقه اسن می رود. ریخته. من جایست می کنم، این کار به درد تو نمیخورد. برو دنبال علایقه نیما، تو نفیقه، نهی توای درکم کنی	7s
M.S				
Cut				
(52)	صدای گریه زن صدای تیرا صدای جگر صدای فریاد صدای تپ		تصادف همسرش با ماشین نیما اریقا	2s
F.S				
Cut				
(53)	صدای دستگاه ترک نوبلر جواب مثبت بارداری صدای ضربان قلب صدای نفس زدن		بچه، همسرش باردار بوده.	3s
INSERT				
Cut				

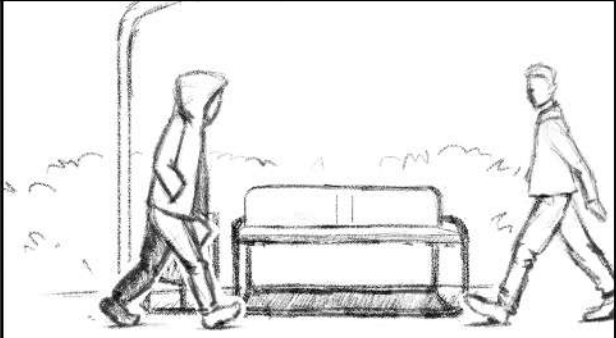
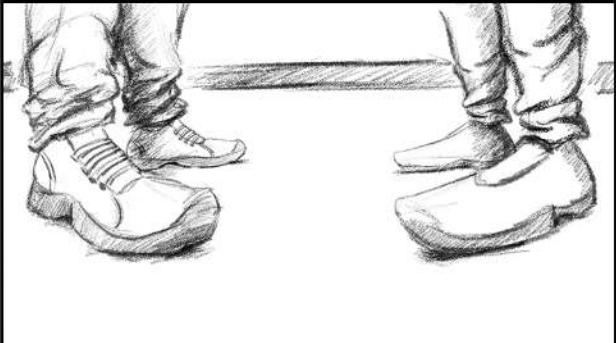
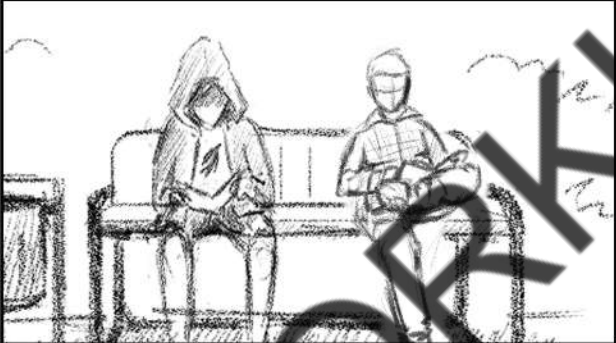
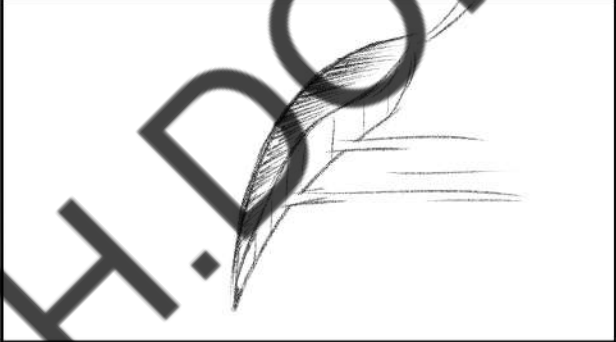
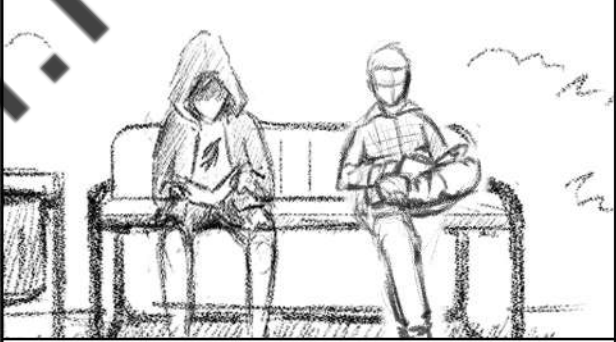
cut	sound	picture	contents	s+k
C.S	54 - صدای نفس نفس - صدای مزه‌بان تکیه		دمنش از قبل آشفته تر شد. حالتش از قبل بدتر شد.	2s
Cut INSERT	55 - صدای نفس آرومتر - مزه‌بان تکیه آرومتر م ن		سر جایش ایستاد	1,5s
Cut H.A F.S	56 - صدای مزه‌بان آروم		وسرش را بالا گرفت	2s
Cut F.S	57 - صدای جیرجیرک		و به صدای نوی آسمان خیره شد	1s
Cut C.S	58 - صدای نفس عمیق		چشمش را بست و نفس عمیق کشید	2,5s
Cut C.S	59 - صدای بازدم		بعد از یک بازدم طولانی به راهش ارامه می دهد.	4s

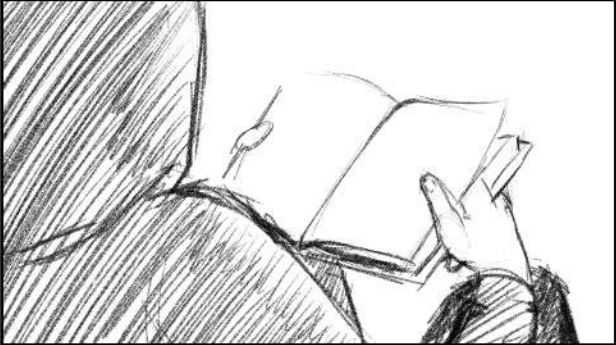
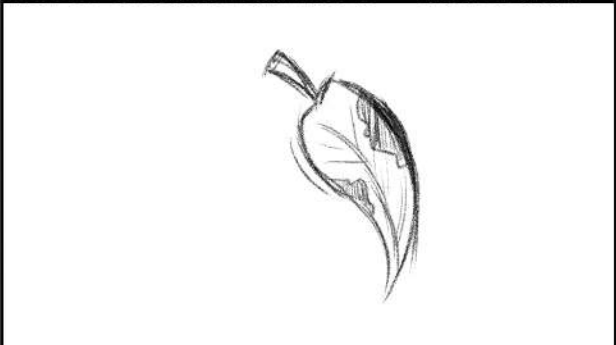
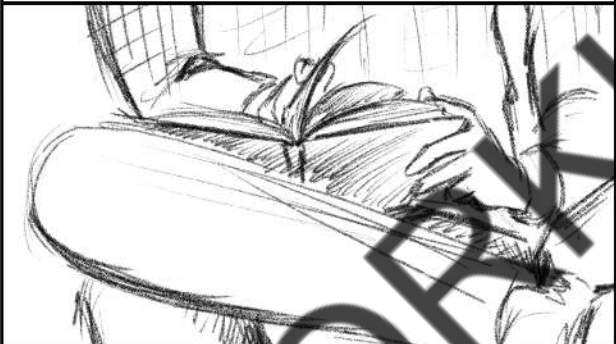
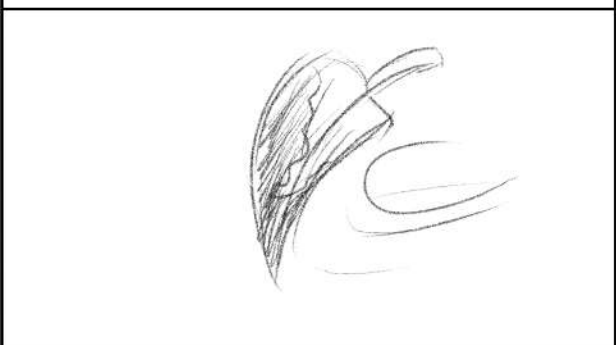
cut	sound	picture	contents	s+k
(50-A)			افزاید...	2s
F.S				
TILT				
(50-B)				2s
F.S				
CUT				
(61)			همان قصه دوباره در یک حاضر شوند.	4s
L.S				
Cut				
(62)			اینبار روی هم ایستادند	3s
INSERT				
Cut				
(63)				3s
E.C.S				
Cut				
(64)			فاجعه عجیب بین دو مرد اردو بدل شد	3s
E.C.S				
Cut				

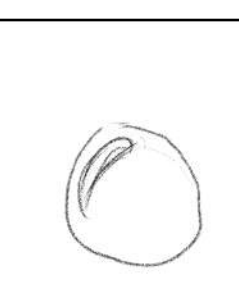
cut	sound	picture	contents	s+k
(65)	صدای آبیاسن		نگاه عمیق بین آنها در ویدل سه	۱۵s
M.S				
Cut	(66)		پس نشستند و نگاه کردن را باز کرده و مشغول مطالعه شدند	7,5s
M.W.S				
Cut	(67.A)		و باز هم مرد را گرفته، پاهای او را روی زمین نگاه می دهه.	2s
INSERT				
Dissolve	(67.B)		[از همان می آید در. یک دوپه	2,5s
Cut	(68)		[دوپه سوز و گداز می پای مرد گرفته این بین] پس از که ست پنه ساعت	3s
F.S				
Cur	(69.A)		هم مد که پای را بستند	3s
M.W.S				

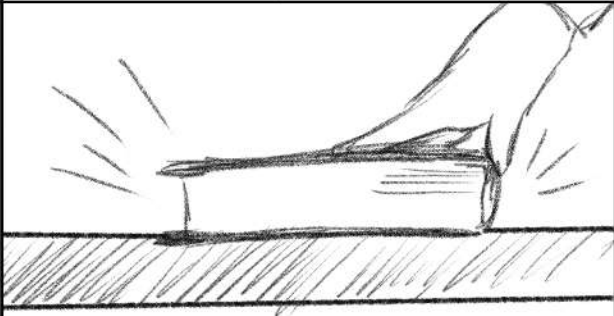
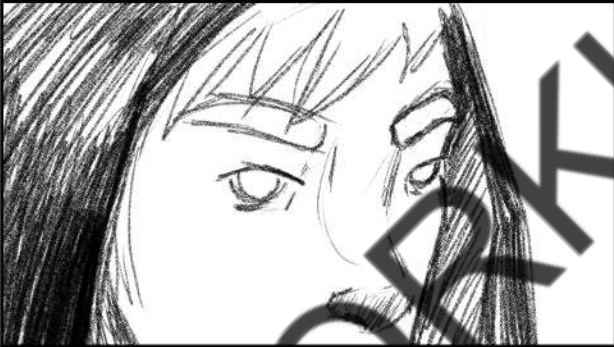
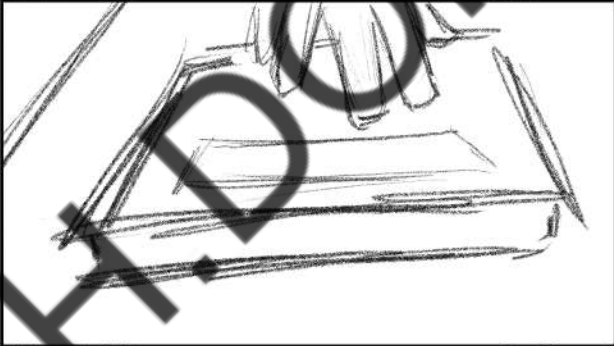
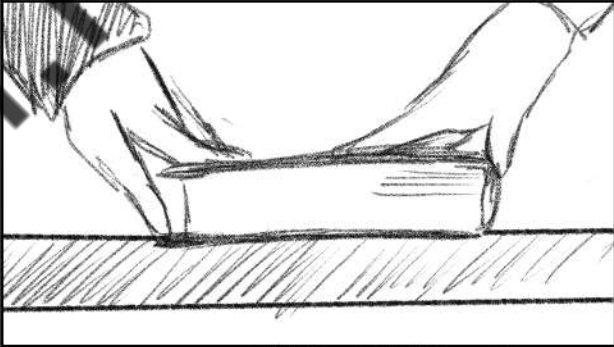
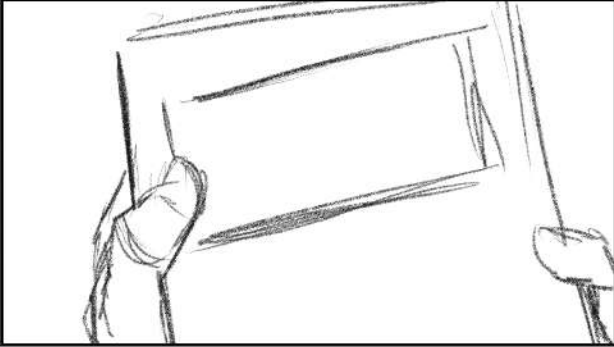
cut	sound	picture	contents	s+k
(69) B	- صدای آکسیاس		از جا بلند شدند	۱۵s
M.S				
Cut				
(70)	- صدای آکسیاس - صدای قدم ها		از جهت صدای مخالف یکدیگر حرکت کردند	3s
F.S				
F.O				
(71)			Fade به سفید	2s
F.I				
(72)	- صدای آکسیاس		[یک شاخه درخت در باران]	3s
INSERT				
Cut				
(73)	- صدای بار		[بارش شدید، برگ درختان می ریزد]	2s
INSERT				
Cut				
(74)	- صدای آکسیاس		[نمای گسترده از پارک]	2s
L.S				
Cut				

cut	sound	picture	contents	s+k
cut (75) F.S	- صدای قدم زدن - آکوبانی		[قدم زدن ...]	3s
cut (76) INSERT	- صدای بار		[بار سدن]	2s
cut (77) B.E.V	- صدای قدم زدن - آکوبانی		[قدم زدن مرد لباس پاره صدای ...]	3s
cut (78) INSERT	- صدای بار		[کند شدن برگار سدن خانه بار سدن]	3s
cut (79) M.S	- صدای قدم زدن - آکوبانی		[راه رفتن مرد آکوبانی]	2.5s
cut (80) INSERT cut	- صدای بار		[افتادن و پرفتن برگ]	2s

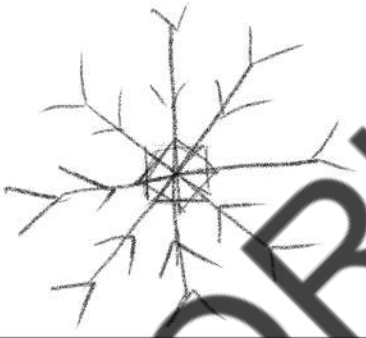
cut	sound	picture	contents	s+k
cut (81)	- صدای ترمزدن		[همدوم نیکت نزدیک شدند]	2s
F.S cut (82)	- صدای آفتابش		[دربروی هم ایستادند]	1.5s
cut (83)			[نشسته و به مقاله پرداختند]	2s
cut (84)	- صدای وزش باد		[برگ در باد حرکت می کند]	2s
cut (85)	- صدای آفتابش		[زبان لذت آن چشید درون مطالعه شدند]	2s
cut (86)	- صدای وزش باد		[برگ می خوابی چرخ و پایش می آید]	2.5s

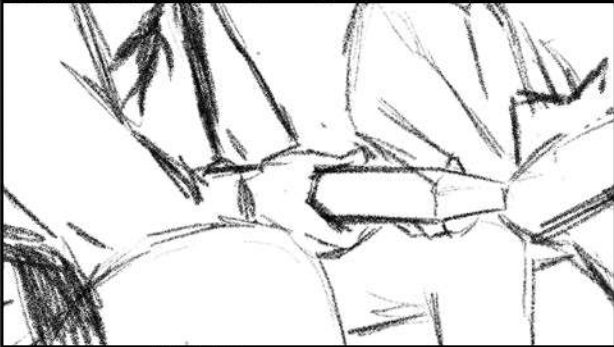
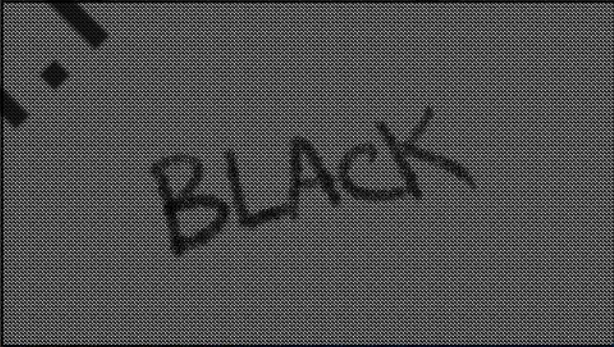
cut	sound	picture	contents	s+k
87	صدای آبیایی - صدای تکان پا		[مرد آشفته در حال مطالعه است پیش روی تکرار تکان می دهد]	25
Cut				
88	صدای باد		[پرک در حال چرخیدن در باد می سوزد و زرد می شود]	25
INSERT				
Cut				
89	صدای آبیایی - صدای تکان پا (نیف)		[مرد لباس چهارضلعی در حال خواندن کتاب است]	25
INSERT				
Cut				
90	صدای بار		[زرد شدن برگ بینه می شود]	25
INSERT				
Cut				
91	صدای تکان پا		[مرد آشفته پا می تکان می دهد]	25
INSERT				
Cut				
92	صدای باد		[بینه از نیمه از برگ زرد شده است]	25
INSERT				
Cut				

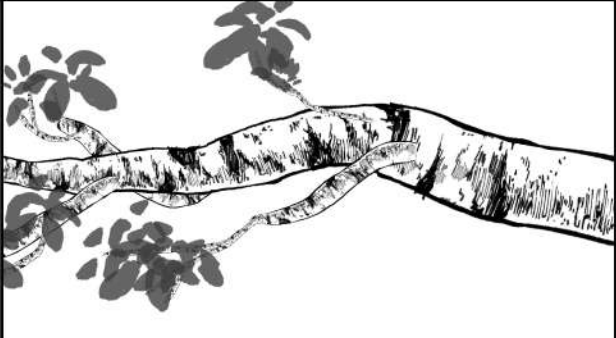
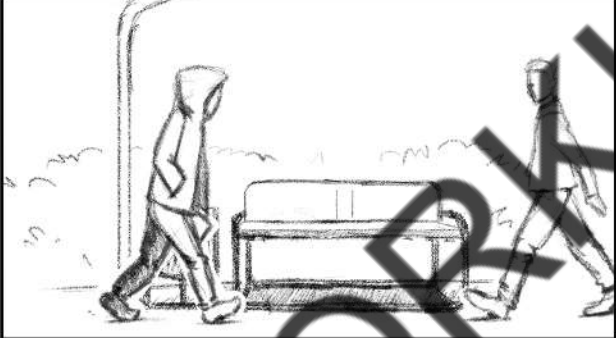
cut	sound	picture	contents	s+k
93-A	صداى باد صداى تفرينى شش		پرک جبرينى مى شود	۱۵
93-B				۱۵
93-C				۱۵
93-D				۱۵
93-E	صداى آب		تبدیل م مقدار آب شور	۱۵
94				۱۵

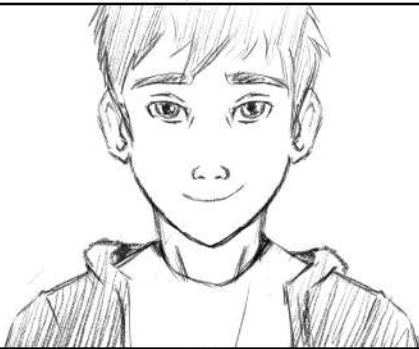
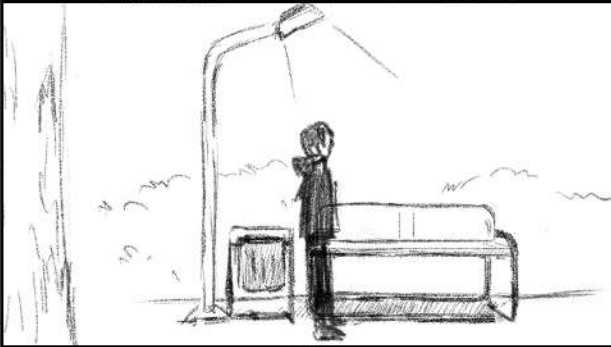
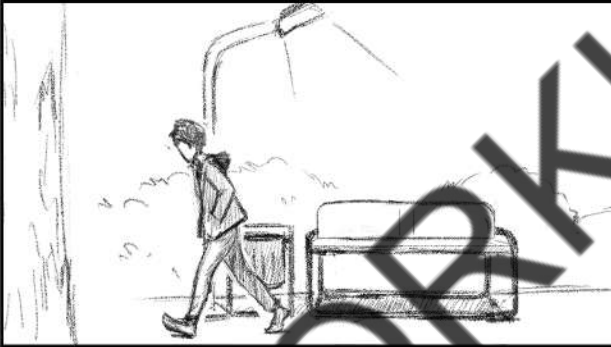
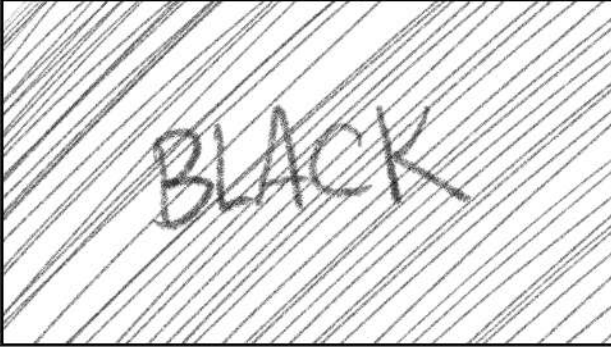
cut	sound	picture	contents	s+k
95	صدای ضربه کتاب روی میز		مرد لباس چهارخانه ای کتبی جدید بین خودش مرد آشفته گذاشت	2s
INSERT				
Cut	96-A سکوت		مرد آشفته نگاه می کرد به لباس چهارخانه ای انداخت	2s
E.C.S				
96-B			و ناگهان به کتاب کرد	2s
Cut				
97				2s
INSERT				
Cut				
98			و پس به آرمی کتاب جدید را برداشت	3s
INSERT				
Cut				
99			رنگی به پدرش انداخت	3s
INSERT				
Cut				

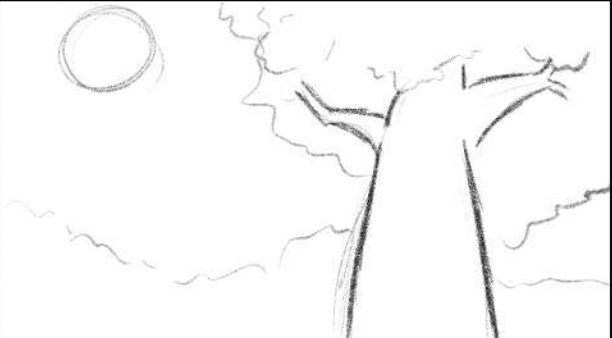
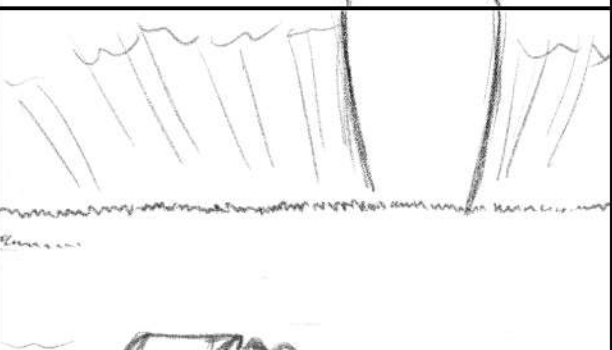
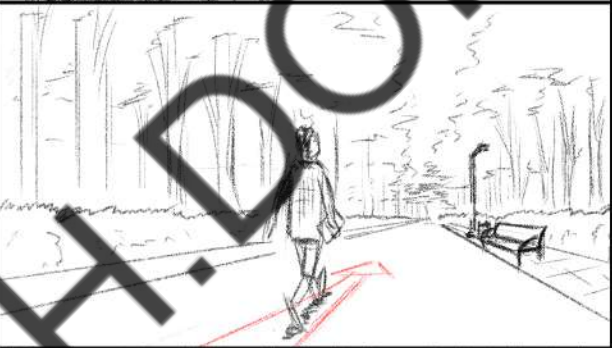
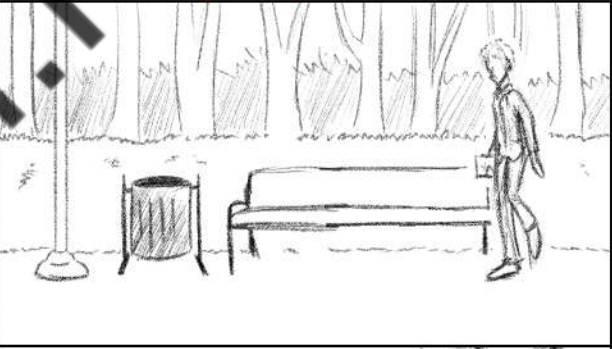
cut	sound	picture	contents	s+k
cut (100)	صدای باران -		[بارش باران از غای نزدیک]	2s
INSERT				
Cut (101)			[مرد لباس چهارخانه‌ای و مرد آسفته نیم صبح در روز بارانی در حال ملاقه هستند]	3s
Cut (102)			[عنوان کتاب از نزدیک عایشه داده می‌شود که همان کتاب صبیح است]	2s
INSERT				
Cut (103-A)			دنبیل از قطره باران	2s
INSERT				
(104-B)			قطره باران در حال برخورد	2s
Cut (105)	صدای بار -		مرد لباس چهارخانه‌ای و مرد آسفته لباس‌های گرم پوشیده‌اند. حرکت با آرامش سر نه	3s
M.W.S				

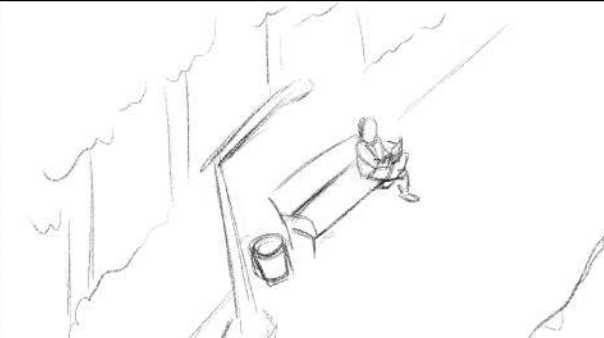
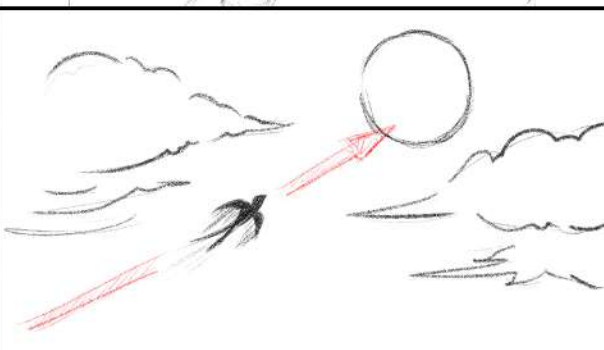
cut	sound	picture	contents	s+k
106-A	صدای باد		[قطر آب می‌ریزد]	2s
INSERT				
106-B			[چرخش قطره سبز می‌شود و تیکه تیکه می‌شود]	2s
106-C			[تبدیل به دونه برف می‌شود]	2s
106-D			[... می‌چرخد]	2s
CUT				
107	صدای بچه‌ها (مشتی)		[غای برف روی خانه ریخت]	3s
CUT				
108	صدای بچه‌ها		[بچه‌ها در حال بازی با برف در پارک]	3s
CUT				

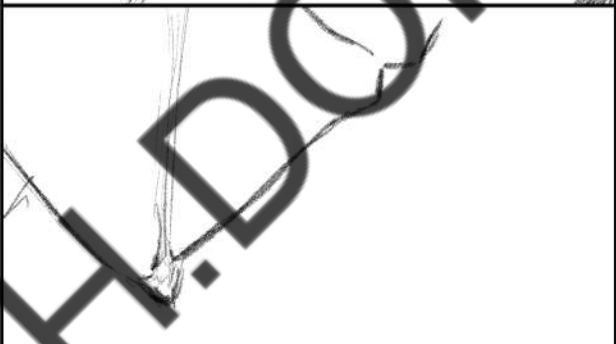
cut	sound	picture	contents	s+k
(109)			[هرد آفتنه نفس راضی می‌کشد]	2s
Cut (110)			[کک سبزی را می‌بندد]	2s
cut (111-A)			[از جایش بلند می‌شود]	2s
M.W.O.S			[روی رود]	3s
(111-B)			[صحنه سیاه می‌شود]	3s
F.O				
F.I			[صبح بهاری]	3s
(112)	صدای آبپاشن بهاری			
F.S				
cut				

cut	sound	picture	contents	s+k
cut (113)	صدای آبیاس ۶ }		[عای ساض پر شکونه و برگر]	2s
cut (114)			[عنخه های کوچیک]	2s
cut (115-A)	صدای تکرار کردن		هر دو بار دیگر آمده اند	3s
cut (115-B)			نشسته و به مطالعه پرداخته	3s
cut (116)			پای مردا کشفه چی مرکه است.	2s
cut (117)	صدای آبیاس صدای دوچرخه سواران		لکوت در پارک صبح می زنه	3s

cut	sound	picture	contents	s+k
(122)	صدای آب پاش		و باید دانش کلاه هردیس از سرش افتاد و لیخته برایش بود	3s
Cut				
(123-A)				2s
F.S				
(123-B)			و او هم میزد را گرفت و رفت.	2s
Cut				
(124)			پرستو رفتن مرد آصفه که دیگر آصفه نیست و ادبها ش کنه.	3s
Cut				
(125)	صدای بل زدن پرند		و پرواز کرد و رفت	2s
C.S				
Cut				
(126)				3s

cut	sound	picture	contents	s+k
(127-A)	- صدای آکبایش		[یک روز دیگر پاریس]	2s
L.A				
(127-B)				2s
H.O.A				
Cut				
(128-A)	- صدای راه رفتن		[مرد لباس چهارخانه ای به سمت تخت نه پاریس قدم می زند]	2s
M.S				
(128-B)				3s
F.S				
(129)				2s
F.S				
Cut				
(130)			طنین عازت سر جایی ایستاد	2s
INSERT				
Cut				

cut	sound	picture	contents	s+k
(131)	- صدای آمپاس		مرد لباس پهلوانی که به ربابه نذر	2s
cut (132)	- صدای پرستو		- پرستوی در آسمان پروازی کرد	3s
cut (133-A)			توجهش به پرستو جلب شد	2s
(133-B)				2s
cut (134)	- صدای بال زدن		پرستو صدای کند	3s
cut (135)			مرد لباس پهلوانه ای لبخند می زند	3s

cut	sound	picture	contents	s+k
(136)	- صدای آب نس		اول بختی می زند	2s
cut (137-A)				2s
(137-B)			قطره ای روی کتابش می افتد	2s
cut (138)			اشک روی گونه های مرد لباس چهارخانه ای جاری است.	3s
cut (139)			اوپا بختی بر بختی تریه می کند	4s
cut (140)				